

بررسی عوامل بی انگیزگی محصلان پوهنتون‌های افغانستان

پوهنیار محمد فرید نورزاد^۱، پوهنیار محمد رفیع اکبری^۲، پوهنیار محمد فواد ابراهیمی^۳، نامزد پوهنیار امیدخان اکسیر^۴

^۱دیارتمنت پالیسی عامه، پوهنځی اداره و پالیسی عامه، پوهنتون کابل، کابل، افغانستان

^۲دیارتمنت اداره عامه، پوهنځی اداره و پالیسی عامه، پوهنتون کابل، کابل، افغانستان

^۳دیارتمنت مدیریت توسعه، پوهنځی اداره و پالیسی عامه، پوهنتون کابل، کابل، افغانستان

ایمیل: noorzadfarid@yahoo.com

چکیده

اخیراً، یک نظرسنجی که توسط نهاد رسانه‌ی سلام در سال ۱۴۰۱ انجام شده نشان می‌دهد که بیش از ۷۰٪ محصلان پوهنتون‌های افغانستان با کاهش انگیزه مواجه بوده‌اند. اما، این تحقیق به عوامل بی انگیزگی محصلان نپرداخته است. بنابراین، هدف این تحقیق شناسایی عوامل بی انگیزگی با روش توصیفی-پیمایشی بوده که ابزار گردآوری دیتا پرسش‌نامه‌ی است که در مشوره با کارشناسان تهیه و طی مطالعه اعتبارسنجی تأیید گردیده است. این پرسش‌نامه با شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ی تصادفی به بیش از هزار تن محصل اعم از پوهنتون‌های دولتی و خصوصی مرکز و ولایات توزیع و به تعداد ۱۰۳۶ پرسش‌نامه حصول گردید. نتایج می‌رساند که عوامل بی انگیزگی از حیث ارتباط با پوهنتون و خارج پوهنتون به سه کتگوری و در مجموع به تعداد ۲۹ عامل بوده که اثرگذارترین آن‌ها بر بی انگیزگی به ترتیب، شامل مشکلات اقتصادی، نداشتن امید به اشتغال، کمبود استادان مجرب، کمبود امکانات درسی و نداشتن تصویر روشن از آینده می‌باشند.

اصطلاحات کلیدی: بی انگیزگی؛ عوامل بی انگیزگی؛ پوهنتون‌های افغانستان؛ محصلان

Investigating Factors Diminishing Motivation Among Afghanistan University Students

Jr. Technig Asst. Mohammad Farid Noorzad¹, Jr. Teaching Asst. Mohammad Rafi Akbari²,

Jr. Teaching Asst. Mohammad Fawad Abrahimi³, Jr. Teaching Asst. Omid Khan Oxir⁴

¹Department of Public Policy, Faculty of Public Policy and Administration, Kabul University, Kabul, Afghanistan

^{4,2}Department of Public Administration, Faculty of Public Policy and Administration, Kabul University, Kabul, Afghanistan

³Department of Development Management, Faculty of Public Policy and Administration, Kabul University, Kabul, Afghanistan

Email: noorzadfarid@yahoo.com

Abstract

In a recent study, over 70% of students enrolled in Afghanistan universities were found to be experiencing demotivation, though underlying causes remained unexplored. Thus, the primary objective of this research is to identify the root causes of student demotivation through a descriptive survey design employing a randomly selected stratified sample size. Data collection utilized a questionnaire crafted based on expert interviews and a pilot study. A total of 1,036 students from both central and provincial public and private institutions participated in the study. Findings revealed a demotivation rate of approximately 68.5%, with 29 factors identified across three categories—both internal and external to the institution—as contributors. Key factors driving this demotivation include a shortage of experienced lecturers, insufficient teaching resources, and uncertainty about future prospects.

Keywords: Demotivation; Factors of Demotivation; Afghanistan Universities; Students

مقدمه

حقیقت مبرهن است که توسعه‌یافتگی جهان امروز مولود دانش و یادگیری بوده، همه توانایی‌های انسان از طریق یادگیری به دست آمده است. انسان از طریق یادگیری به رشد فکری رسیده و توانایی ذهنی‌اش فعلیت پیدا می‌کند. بناً می‌توان گفت که همه پیشرفت‌های بشری در اثر یادگیری و انتقال دانش و تجارب نسل به نسل صورت گرفته است. با توجه به این‌که در دنیای مدرن، از منظر جامعه‌شناسی تحقق اهداف نهاد آموزش در قالب کارکرد به سازمان‌های آموزشی خاصاً پوهنتون‌ها سپرده شده، رسالت اصلی نظام‌های آموزشی کشورها، تربیت نیروی انسانی لازم برای رشد و پیشرفت آن جامعه است (آزادمنش، ۱۳۹۵). پوهنتون‌ها به عنوان مهمترین پایگاه علمی جهت پرورش نیروی متخصص، آگاه و باتجربه نقش بسیار مهمی در این زمینه ایفا می‌کنند (مکارا و کارابنیک، ۲۰۱۷). از آنجا که نیروی انسانی ارزنده ترین سرمایه هر کشور است، پیشرفت و بالندگی فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی هر کشور در گرو تربیت نیروی متخصص و متعهد و نهایتاً رشد علمی و افزایش سطح آگاهی افراد آن جامعه خواهد بود. بنابراین، شناخت عوامل بازدارنده (بی‌انگیزگی) پیشرفت تحصیلی و یادگیری خوب، مهم پنداشته می‌شود (زانگ و روسون، ۲۰۱۵).

از انگیزه تعاریف متفاوت ارایه شده چنانچه آن را یک وضعیت داخلی دانسته‌اند که فرد را به پیشرفت، عملکرد و دست‌یابی به اهدافش ترغیب می‌کند (دیزی و ریان، ۲۰۰۰). انگیزه می‌تواند درونی یا بیرونی باشد؛ انگیزه درونی نوعی از انگیزه است که منبع آن درون فرد، نه محیط خارج، است. در این جا فرد براساس یک خواست درونی یا یک میل باطنی به کاری دست می‌زند. محصل که انگیزه درونی دارد، می‌خواهد یاد بگیرد، زیرا کنج‌کاو است، به دنبال دانش است، به رشد خود علاقه‌مند است و یادگیری وی را ارضا می‌کند. انگیزه پیشرفت یکی از مهمترین انگیزه‌های درونی است و انگیزه‌های درونی اغلب کارایی و تأثیر عمیق‌تری در زندگی فرد دارند. انگیزه بیرونی انگیزه‌هایی است که کانون آن در محیط فرد قرار دارد و به عنوان یک عامل بیرونی، فرد را به انجام دادن کاری خاص ترغیب می‌کند (مهدی، ۱۳۹۷). بنابراین، انگیزه تحصیلی یکی از ملزومات یادگیری به حساب می‌آید و آن چیزی است که به رفتار شدت و جهت می‌بخشد و در حفظ تداوم آن به محصل کمک می‌کند (رمضانی و همکاران، ۱۳۸۸).

بررسی عوامل بی‌انگیزگی محصلان پوهنتون‌ها از موضوعات حاد مورد بحث در شرایط کنونی بوده، دانشمندان و مراکز تحقیق در گوشه و کنار جهان وقتاً فوقتاً تحقیق‌هایی را در راستای بررسی سطح انگیزش و بررسی عوامل مؤثر بر انگیزش و جستجوی طرق افزایش انگیزش راه‌اندازی می‌نمایند. نظرسنجی نهاد

رسانه سلام نشان می‌دهد که ۷۳ درصد از محصلان با مشکل کاهش انگیزه تحصیلی مواجه بوده اند (سلام و وطندار، ۱۴۰۱).

به همین ترتیب نتایج تحقیق مولوی و همکاران در سال ۱۳۸۶ نشان می‌دهد از مجموع یازده متغیر مورد مطالعه آن تحقیق، پنج متحول که عبارتند از امید به آینده، میزان عزت نفس، کیفیت عوامل آموزشی، حالت مدنی، سطح عاید فامیل می‌توانند علل کاهش انگیزه تحصیلی محصلان را تبیین کنند؛ در حالی که ۶ متغیر شامل جنسیت، میزان تحصیلات، فوت والدین، جو عاطفی خانواده، سلامت جسمی - روانی، میزان یادگیری، خود تنظیمی، تأثیر معنی‌داری در انگیزه تحصیلی محصلان ندارند. به همین ترتیب، محققان به اشتراک بخشنده باورساد و همکاران در سال ۱۳۹۴ به بررسی عوامل مرتبط انگیزه تحصیلی در چهار بعد انگیزه‌های فیزیولوژیک اولیه- ثانویه، روانی- اجتماعی، معنوی و آموزشی پرداخته اند. طبق یافته‌ها، بیشترین عواملی که در افزایش انگیزه تحصیلی محصلان تأثیر داشتند، به ترتیب؛ نائل شدن به خدمت به هموع، فراهم سازی موقعیت‌های بیشتر برای کمک به خانواده و دست‌یابی به یک زندگی شرافت‌مندانه و مهمترین عوامل کاهش‌دهنده انگیزه تحصیلی همچون امور محوله سطح پائین به محصلان در بالین، دیدگاه استادان، دیدگاه جامعه و نحوه برخورد استاد مشخص گردیدند. گروه از محققان دیگر به شمول علی زاده و همکاران در سال ۱۳۹۴ در مطالعه‌ی، به شناسایی عوامل مؤثر بر انگیزش تحصیلی محصلان رشته مدیریت پرداخته‌اند. در نتیجه این تحقیق، پنج گتگوری عوامل از جمله نظام آموزشی و پوهنتونی، عوامل اجتماعی، اقدامات و فعالیت‌های محصل، عوامل انسانی پیرامون محصل و عوامل فیزیولوژیکی - روانشناختی شناسایی شده است. از میان پنج عامل که مورد بررسی قرار گرفتند، تأثیر عامل فیزیولوژیکی - روان شناختی بر انگیزش محصلان مورد تأیید قرار گرفت است. متعاقباً، رومانی و همکاران در سال ۱۳۹۸ با رویکرد پدیدارشناسی به شناسایی عوامل بی‌انگیزگی محصلان پوهنتون فرهنگیان پرداخته اند. یافته‌های حاصل از این تحقیق نشان می‌دهد که کادر آموزشی شامل؛ نحوه برخورد کادر آموزشی و جایگاه علمی اساتید، امکانات پوهنتون شامل؛ تغذیه و امکانات فضایی پوهنتون، محتوی دروس شامل؛ سنخیت محتوی، کاربرد در آینده و محتوی دروس تخصصی، دوستان و مسایل مربوط به خود محصل و همچنین مسایل مربوط به سیاست‌های پوهنتون شامل؛ سیاست مربوط به شغل و سیاست چگونگی برگزاری کورس‌ها از جمله عواملی هستند که در بی‌انگیزگی تحصیلی محصلان مشغول به تحصیل نقش دارند. به همین ترتیب، معماریان و همکاران در سال ۱۳۹۹ در تحقیقی دو مرحله‌ای تحت عنوان (بررسی علل بی‌انگیزگی محصلان رشته مهندسی) که قادر به تشخیص ۲۷ علل بی‌انگیزه‌گی که منشأ درون پوهنتونی، بیرونی و اجتماعی دارند، شده اند. طبق

یافته‌های این تحقیق از میان ۲۷ عامل اثرگذار، خشک و تیوریک بودن دروس، کم بودن فعالیت‌های عملی و مهارتی و برآورده نشدن انتظارات در پوهنتون اثرگذارترین عوامل درون‌پوهنتونی در رشد بی‌انگیزگی محصلان مهندسی در دو پوهنتون مورد بررسی شناسایی شدند. درنهایت، حسینی صدر و قاسم زاده در سال ۱۴۰۱ با روش کیفی به مطالعه علل بی‌انگیزگی محصلان پرداخته که یافته‌ها نشان می‌دهد، از نظر محصلان، شش مقوله محوری شیوه‌های تدریس، ظهور بلا منازع برای مطالعه، ضعف کیفیت خدمات پوهنتونی، تفوق ارزش‌های مادی، اطمینان از آینده شغلی، تعاملات ناقص بین نهادی از شرایط زمینه‌ی و علّی بی‌انگیزگی تحصیلی محصلان می‌باشد.

در افغانستان در خصوص شناسایی عوامل بی‌انگیزگی تا اکنون تحقیقات نظامند و اکادمیک همه جانبه انجام نشده و فقط نهاد رسانه‌ی سلام افغانستان طی سال ۱۴۰۱، یک نظرسنجی را در جهت تعیین میزان کاهش انگیزه محصلان انجام داده است. نظرسنجی مذکور؛ اما اشاره‌ی به عوامل مؤثر بر کاهش انگیزه نداشته است. گرچه تحقیقات انجام شده در خارج از کشور به مطالعه عوامل مؤثر بر کاهش انگیزه محصلان پرداخته و عوامل مختلف را مشخص نموده‌اند؛ اما با توجه به این‌که تحقیق‌های مذکور، در یک محیط فرهنگی-اجتماعی متفاوت انجام شده، نمی‌توان به آن‌ها استناد نمود. چنان‌چه به نظر می‌رسد محصلان پوهنتون‌های افغانستان انگیزه لازم را جهت کسب دانش و انجام مکلفیت‌های تحصیلی نداشته و ظاهراً امر مذکور دراین اواخر سیر صعودی را پیموده است (سلام افغانستان، ۱۴۰۱). بنابراین، سؤال اصلی تحقیق حاضر این است که عوامل بی‌انگیزگی محصلان پوهنتون‌های افغانستان کدام‌ها می‌باشند.

روش تحقیق و ابزار گردآوری داده‌ها

این مطالعه با روش توصیفی-پیمایشی با استفاده از ابزار پرسش‌نامه به هدف بررسی علل بی‌انگیزگی محصلان، درجه‌بندی علل بی‌انگیزگی با درنظرداشت ترتیب درجه اهمیت آن و میزان اثرگذاری از نظر محصلان طراحی شده بود. پرسش‌نامه مذکور، بعد از مصاحبه با کارشناسان و انجام مطالعات اعتبارسنجی تنظیم شد که بخش اول آن حاوی معلومات دیموگرافیک اشتراک‌کننده‌ها، بخش دوم پرسش‌نامه در برگیرنده فهرست آن عوامل بی‌انگیزگی بوده که از نتایج مصاحبه با کارشناسان و مطالعات اعتبارسنجی حاصل گردید و از اشتراک‌کننده‌ها خواسته شده بود تا در صورت بی‌انگیزه بودن، یک عامل و یا بیشتر از آن را انتخاب نمایند.

جامعه آماری و نمونه‌گیری

این تحقیق با یک جامعه آماری تقریباً غیر معین مواجه بوده که بر طبق فورمول محاسبه تعداد نمونه در جامعه آماری غیر معین، با سطح اطمینان ۹۵٪ و اشتباه معیاری ۵٪ حداقل حجم نمونه ۴۰۰ تن محصل می‌باشد (گلین، ۱۹۹۲). اما، براساس علم آمار، هر قدر تعداد نمونه بیشتر شود، به همان اندازه سطح دقت بیشتر، و میزان

خطا کاهش نموده و سبب می‌شود که یافته‌های منبعث از مطالعه نمونه، با واقعیت‌های جامعه آماری هم‌خوانی بیشتر پیدا کند (زمبونی، ۲۰۱۸). در این تحقیق بیش از هزار (۱۰۳۶) تن محصل اعم از پوهنتون‌های دولتی و خصوصی اشتراک داشته که طبق روش نمونه‌گیری طبقه‌ی به گونه تصادفی انتخاب و نظر خویش را در خصوص سؤالات مندرج پرسش‌نامه در میان گذاشته‌اند. باید ذکر گردد که محصلان اشتراک‌کننده در این تحقیق، از پوهنتون‌های دولتی به شمول پوهنتون کابل، پوهنتون طبی کابل ابوعلی سینا، پوهنتون پولی تخنیک، پوهنتون بلخ، پوهنتون هرات، پوهنتون ننگرهار، پوهنتون الیرونی و همچنان از پوهنتون‌های خصوصی مرکز به شمول پوهنتون‌های کاتب، سلام، رنا، غرجستان و مؤسسه تحصیلات عالی قلم می‌باشند. بنابراین، نظر به خصوصیت جامعه مورد نظر این تحقیق، پوهنتون‌ها بر طبق شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ی انتخاب و بعد محصلان بر طبق شیوه نمونه‌گیری طبقه‌ی از پوهنتون‌های منتخب به گونه تصادفی برگزیده شده‌اند. قابل یادآوری است که برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، از نرم افزار SPSS²⁴ و از تحلیل Multiple Responses Analysis استفاده صورت گرفته است.

یافته‌های تحقیق

جدول ۱: ویژگی‌های جمعیت شناختی محصلان اشتراک‌کننده در تحقیق

فیصدی تجمعی	فیصد	تعداد محصلان	ویژگی
۱.۳	۱.۳	۳۲	بدون پاسخ
۶.۸۸	۵.۸۵	۸۸۶	مجرد
۱۰۰	۴.۱۱	۱۱۸	متاهل
	۱۰۰	۱۰۳۶	مجموع
۳.۴	۳.۴	۴۵	بدون پاسخ
۲.۳۰	۹.۲۵	۲۶۸	سال اول
۵.۵۳	۳.۲۳	۲۴۱	سال دوم
۷۳	۵.۱۹	۲۰۲	سال سوم
۹۸	۲۵	۲۵۹	سال چهارم
۱۰۰	۲	۲۱	سال پنجم
	۱۰۰	۱۰۳۶	مجموع
۱.۱	۱.۱	۱۱	بدون پاسخ
۵.۲۳	۴.۲۲	۲۳۲	۱۵-۲۰
۶.۹۵	۱.۷۲	۷۴۷	۲۰-۲۵
۸.۹۸	۳.۳	۳۴	۲۵-۳۰
۳.۹۹	۵.	۵	۳۰-۳۵
۱۰۰	۷.	۷	۳۵-۴۰
	۱۰۰	۱۰۳۶	مجموع

قرار جدول ۱ محصلان اشتراک‌کننده به تعداد ۱۰۳۶ تن بوده که از آن جمله، بیش از ۸۵٪ آن مجرد و متباقی متأهل می‌باشند. چنان‌چه در جدول ذیل دیده می‌شود، محصلان اشتراک‌کننده در این تحقیق، از سال‌های تحصیلی اول الی پنجم می‌باشند. چنان‌چه جدول فوق نشان می‌دهد که محصلان اشتراک‌کننده

از گروه‌های مختلف سنی بوده که بیشترین اشتراک‌کننده‌ها به ترتیب بین سال‌های ۲۰-۲۵ و ۱۵-۲۰ و تعداد کمی از اشتراک‌کننده‌ها بین سنین ۳۰-۳۵ و ۳۵-۴۰ قرار دارند.

میزان بی‌انگیزگی محصلان

جدول ۲: میزان بی‌انگیزگی محصلان پوهنتون‌های افغانستان

وضعیت	تعداد محصلان	فیصدی	فیصدی تجمعی
بی‌انگیزه	۷۱۰	۶۸.۵	۶۸.۵
با انگیزه	۳۲۶	۳۱.۵	۱۰۰
مجموع	۱۰۳۶	۱۰۰	

جدول ۲ نشان می‌دهد که تعدادی بیشتری از محصلان انگیزه کافی برای تحصیل ندارند. چنان‌چه ملاحظه می‌گردد از مجموع اشتراک‌کننده‌ها، به تعداد ۷۱۰ تن یعنی به میزان ۵.۶۸٪ از محصلان گفته‌اند که برای تحصیل انگیزه کافی نداشته و درحالی‌که متباقی محصلان یعنی ۳۲۶ تن آن‌ها ادعا کرده‌اند که دارای انگیزه کافی برای تحصیل می‌باشند.

عوامل مؤثر بر بی‌انگیزگی محصلان

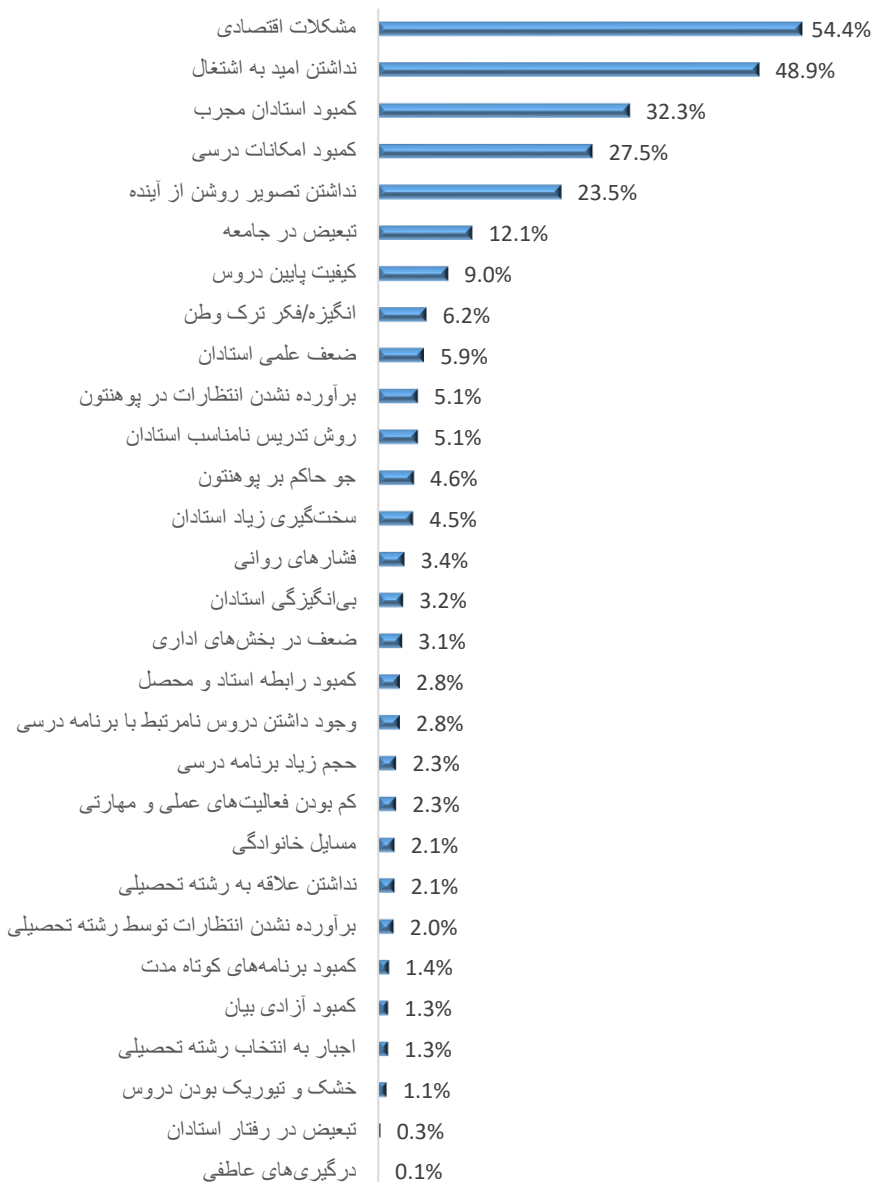
عوامل مؤثر بر ایجاد بی‌انگیزگی از نظر محصلان اشتراک‌کننده، با نظر داشت منشأ آن و بدون اولویت‌بندی از نظر ترتیب اهمیت، در جدول ۳ به سه گتگوری، فهرست گردیده است.

جدول ۳: عوامل بی‌انگیزگی از نظر محصلان اشتراک‌کننده با نظر داشت منشأ آن‌ها

استادان و پوهنتون	برنامه	عوامل خارج از پوهنتون
۱. بی‌انگیزگی استادان	۱. برآورده نشدن انتظارات توسط رشته تحصیلی	۱. نداشتن تصویر روشن از آینده
۲. ضعف علمی استادان		۲. نداشتن امید به اشتغال
۳. روش تدریس نامناسب استادان	۲. نداشتن علاقه به رشته تحصیلی	۳. مشکلات اقتصادی
۴. کمبود رابطه استاد و محصل	۳. اجبار به انتخاب رشته تحصیلی	۴. مسایل خانوادگی
۵. سخت‌گیری زیاد استادان	۴. وجود داشتن دروس نامرتبط با برنامه درسی	۵. درگیری‌های عاطفی
۶. تبعیض در رفتار استادان		۶. تبعیض در جامعه
۷. جو حاکم بر پوهنتون	۵. کم بودن فعالیت‌های عملی و مهارتی	۷. فشارهای روانی
۸. برآورده نشدن انتظارات در پوهنتون	۶. خشک و تیوریک بودن دروس	۸. انگیزه/فکر ترک وطن
۹. ضعف در بخش‌های اداری	۷. حجم زیاد برنامه درسی	۹. محدودیت بر آزادی بیان
۱۰. کمبود امکانات درسی	۸. کمبود برنامه‌های کوتاه مدت	
۱۱. کمبود استادان مجرب	۹. کیفیت پایین دروس	

جدول ۳ نشان می‌دهد که عوامل بی‌انگیزگی با نظر داشت منشأ، به سه گتگوری تقسیم شده است. تعدادی از عوامل بی‌انگیزگی منشأ درون پوهنتونی داشته که از بطن تعامل و ارتباط محصلان با محیط داخل پوهنتون، استادان و برنامه راه‌اندازی شده، به‌وجود می‌آیند. بنابراین، عوامل با منشأ درون پوهنتونی تحت گتگوری‌های استاد-پوهنتون و برنامه نام‌گذاری شده‌اند. تعدادی از عوامل بی‌انگیزگی که منشأ بیرون پوهنتونی داشته، تحت عنوان عوامل خارج از پوهنتون در جدول فوق تنظیم گردیده است.

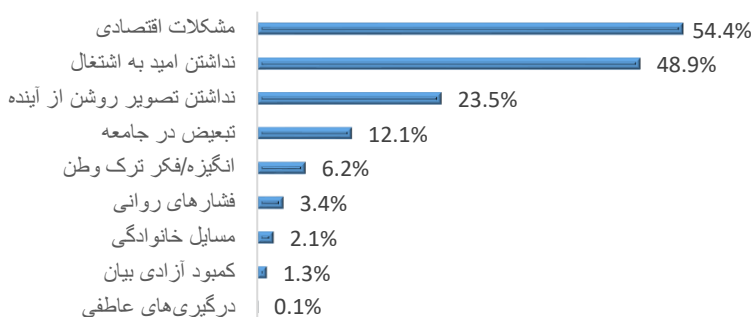
از مجموع عوامل با منشأ درون پوهنتونی جمعاً ۲۰ عامل بوده که از جمع آن به تعداد ۱۱ عامل مرتبط با پوهنتون و عمداً استادان می‌باشند، درحالی که ۹ عامل دیگر با برنامه، ماهیت آن و نحوه تطبیق آن مرتبط هستند. اما، تعداد عوامل تشخیص شده با منشأ بیرون پوهنتونی، به ۹ عامل رسیده که از شرایط اجتماعی و مشکلات اقتصادی گرفته تا نداشتن امید به اشتغال (بیکار ماندن پس از فراغت) و نداشتن تصویر روشن از آینده و بلاخره تبعیض در جامعه، فشارهای روانی که عمدتاً با وضع جامعه و حالت شخصی خود محصلان مرتبط می‌باشند، را در بر می‌گیرد. به صورت کل، مجموع عوامل بی‌انگیزگی از نظر محصلان اشتراک‌کننده در این تحقیق به تعداد ۲۹ عامل می‌رسند.



شکل ۱: عوامل موثر بر کاهش انگیزه تحصیلی و میزان اثرگذاری آن‌ها

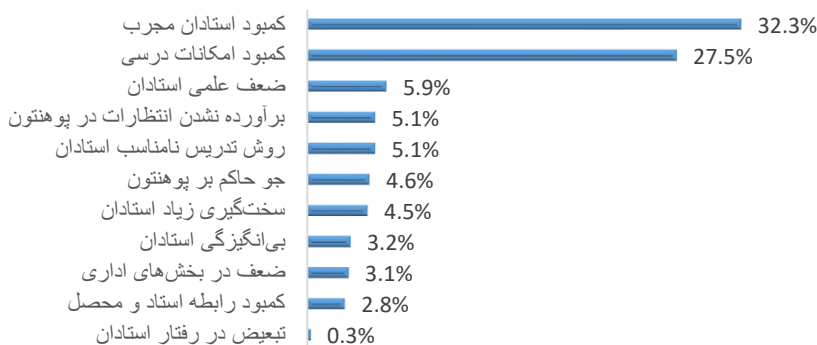
شکل ۱ عوامل بی‌انگیزگی محصلان را به لحاظ درجه اهمیت و میزان اثرگذاری نشان می‌دهد به ترتیب شامل مشکلات اقتصادی، نداشتن امید به اشتغال (بیکار ماندن پس از فراغت)، کمبود استادان مجرب، کمبود امکانات درسی، نداشتن تصویر روشن از آینده، تبعیض در جامعه، کیفیت پایین دروس، انگیزه/فکر ترک وطن، ضعف علمی استادان، برآورده نشدن انتظارات در پوهنتون، روش تدریس

نامناسب استادان، جو حاکم بر پوهنتون، سخت‌گیری زیاد استادان، ضعف در بخش‌های اداری، کمبود رابطه استاد و محصل، وجود داشتن دروس نامرتب با برنامه درسی، حجم زیاد برنامه درسی، کم بودن فعالیت‌های عملی و مهارتی، مسایل خانوادگی، نداشتن علاقه به رشته تحصیلی، برآورده نشدن انتظارات توسط رشته تحصیلی، کمبود برنامه‌های کوتاه‌مدت، کمبود آزادی بیان، اجبار به انتخاب رشته تحصیلی، خشک و تیوریک بودن دروس، تبعیض در رفتار استادان و درگیری‌های عاطفی می‌باشند. از میان این همه عوامل عمده، اثرگذارترین عامل بی‌انگیزگی از نظر محصلان اشتراک کننده، مشکلات اقتصادی بوده، چنانچه بیش از ۵۴٪ از اشتراک کننده‌ها، آنرا دلیل بی‌انگیزگی تحصیلی خویش مطرح کرده‌اند. به همین ترتیب، اثرگذارترین عامل بعدی، نداشتن امید به اشتغال بوده، چنانچه نزدیک به ۵۰٪ اشتراک کننده‌ها، آنرا عامل اثرگذار در بی‌انگیزگی خویش می‌دانند. به همین ترتیب کمبود استادان مجرب ۳۲.۳٪، کمبود امکانات درسی ۲۷.۵٪، نداشتن تصویر روشن از آینده ۲۳.۵٪ و در نهایت تبعیض در جامعه ۱۲٪ به ترتیب در بی‌انگیزگی محصلان نقش داشته است.



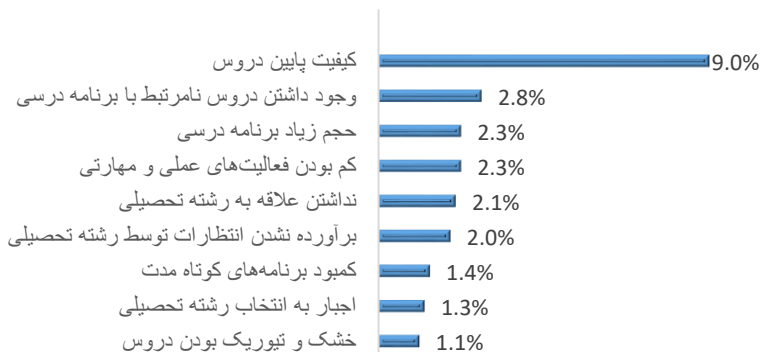
شکل ۲: عوامل بی‌انگیزگی با منشأ بیرون پوهنتونی به ترتیب درجه اهمیت و میزان اثرگذاری

شکل ۲ نشان می‌دهد که از میان سایر عامل‌ها، عوامل خارج از پوهنتون بیشترین اثرگذاری را در بی‌انگیزگی محصلان داشته است. از این میان، مشکلات اقتصادی ۵۴ درصد و نداشتن امید به اشتغال پس از فراغت ۴۸ درصد در کنار سایر عوامل در بی‌انگیزگی نقش دارند. به همین ترتیب، نداشتن تصویر روشن از آینده ۲۳ درصد و تبعیض در جامعه ۱۲ درصد عوامل اثرگذار می‌باشند. درگیری‌های عاطفی و کمبود آزادی بیان به ترتیب ۰.۱٪ و ۱.۳٪ از نظر محصلان اشتراک‌کننده عواملی هستند که کمترین اثرگذاری را بر بی‌انگیزگی آن‌ها داشته است.



شکل ۳: عوامل بی‌انگیزگی مرتبط با استاد و پوهنتون با میزان اثرگذاری آن‌ها

براساس شکل ۳ اثرگذارترین عامل در بی‌انگیزگی محصلان کمبود استادان مجرب و کمبود امکانات درسی دریافت شده است. چنان‌چه کمبود استادان مجرب ۳۲ درصد، کمبود امکانات درسی ۲۷ درصد، ضعف علمی استادان ۱۰ درصد، برآورده نشدن انتظارات در پوهنتون و روش تدریس نامناسب استادان هر یک ۵ درصد، جو حاکم بر پوهنتون و سختگیری زیاد استادان هر یک ۴ درصد، بی‌انگیزگی استادان، ضعف در بخش‌های اداری و کمبود رابطه استاد و محصل هر یک ۳ درصد و در نهایت تبعیض در رفتار استادان کمتر از نیم ۰.۳ درصد در کنار سایر عوامل بی‌انگیزگی سبب کاهش انگیزه تحصیلی محصلان گردیده است.



شکل ۴: عوامل مرتبط با برنامه با میزان اثرگذاری آن‌ها

شکل ۴ نشان می‌دهد که مجموع عوامل مرتبط با برنامه به تعداد ۹ عامل بوده که از جمع آن، کیفیت پایین دروس به میزان ۹٪، اثرگذارترین عامل بی‌انگیزگی از سوی محصلان اشتراک‌کننده در این تحقیق شناخته شده است. بر علاوه خشک و تیوریک بودن دروس ۱ درصد و اجبار بر انتخاب رشته تحصیلی ۱.۳ درصد در میان عوامل بی‌انگیزگی مرتبط با برنامه اثرگذاری کمتری بر میزان بی‌انگیزگی محصلان داشته‌اند.

جدول ۴: اولویت‌بندی عوامل بی‌انگیزگی محصلان

اولویت اول عوامل خارج از پوهنتون	اولویت دوم عوامل مرتبط با استاد و پوهنتون	اولویت سوم عوامل مرتبط با برنامه‌ی درسی
۱. مشکلات اقتصادی	۱. کمبود استادان مجرب	۱. کیفیت پایین دروس
۲. نداشتن امید به اشتغال	۲. کمبود امکانات درسی	
۳. نداشتن تصویر روشن از آینده	۳. ضعف علمی استادان	
۴. تبعیض در جامعه	۴. برآورده نشدن انتظارات در پوهنتون	۲. وجود داشتن دروس نامرتبط با برنامه‌ی درسی
۵. انگیزه/فکر ترک وطن	۵. روش تدریس نامناسب	۳. حجم زیاد برنامه‌ی درسی
۶. فشارهای روانی	۴. کم بودن فعالیت‌های عملی و مهارتی	
۷. مسایل خانوادگی	۶. جو حاکم بر پوهنتون	
	۷. سخت‌گیری زیاد استادان	۵. نداشتن علاقه به رشته تحصیلی
۸. درگیری‌های عاطفی	۸. بی‌انگیزگی استادان	۶. خشک و تیوریک بودن دروس
۹. کمبود آزادی بیان	۹. ضعف در بخش‌های اداری	
	۱۰. کمبود رابطه استاد و محصل	۷. اجبار به انتخاب رشته تحصیلی
	۱۱. تبعیض در رفتار استادان	۸. برآورده نشدن انتظارات توسط رشته تحصیلی
		۹. کمبود برنامه‌های کوتاه مدت

تأثیر بی‌انگیزگی محصلان

بر اساس جدول ۴ عوامل اثرگذار بر بی‌انگیزگی محصلان در سه بُعد، خارج از پوهنتون، مرتبط با استاد و پوهنتون و برنامه‌ی درسی به ترتیب نقشی که در بی‌انگیزگی دارند، اولویت‌بندی و ارایه شده است. بر بنیاد یافته‌های این تحقیق، عوامل خارج از پوهنتون ۶۴ درصد، تأثیر بیشتری بر بی‌انگیزگی داشته و به دنبال آن به ترتیب عوامل مرتبط با استاد و پوهنتون ۲۸ درصد و برنامه‌ی درسی ۷ درصد در جایگاه بعدی قرار گرفته‌اند.

۱. در میان عوامل خارج از پوهنتون، مشکلات اقتصادی ۵۴ درصد، نداشتن امید به اشتغال ۵۰ درصد، نداشتن تصویر روشن از آینده ۲۳ درصد بیشترین نقش را در ایجاد بی‌انگیزگی داشته است، درحالی‌که درگیری‌های عاطفی ۰.۱ درصد و کمبود آزادی بیان ۱ درصد نقش کمتری را در بی‌انگیزگی محصلان داشته است.

۲. در میان عوامل مرتبط با استاد و پوهنتون، کمبود استادان مجرب ۳۲ درصد، کمبود امکانات درسی ۲۷ درصد و ضعف علمی استادان ۶ درصد بیشترین نقش را در بی‌انگیزگی داشته است، درحالی‌که بی‌انگیزگی استادان ۳ درصد، ضعف در بخش‌های اداری ۳ درصد، کمبود رابطه استاد و محصل ۳ درصد و تبعیض در رفتار استادان ۰.۳ درصد، نقش کمتری را در بی‌انگیزگی نشان می‌دهد.

۳. در میان عوامل مرتبط با برنامه‌ی درسی، کیفیت پایین دروس ۹ درصد، بیشترین نقش را در بی‌انگیزگی داشته است، درحالی‌که خشک و تیوریک بودن ۱ درصد، اجبار به انتخاب رشته تحصیلی ۱.۳ درصد، برآورده نشدن انتظارات توسط رشته تحصیلی و کمبود برنامه‌های کوتاه‌مدت هر یک ۲ درصد نقش نه چندان زیادی در بی‌انگیزگی داشته است.

با توجه به جدول فوق و میزان اثرگذاری عوامل فهرست شده در سه بخش فوق‌الذکر، می‌توان به صورت کلی میزان اثرگذاری و نقش مجموعی هر سه بخش را با رعایت ارتباط و عدم ارتباط عوامل با پوهنتون، در شکل ۵ ذیل ارایه کرد.



شکل ۵: میزان اثرگذاری کلی عوامل بی‌انگیزگی به لحاظ ارتباط و عدم ارتباط با پوهنتون

شکل ۵ نشان می‌دهد که عوامل خارج از پوهنتون به صورت کلی نقش بسیار زیادی ۶۵ درصد در بی‌انگیزگی محصلان در این تحقیق دارند. چنان‌چه این بخش به تنهایی به میزان حدوداً ۶۵٪ نقش را در ایجاد بی‌انگیزگی محصلان داشته است. این درحالی است که بخش‌های شامل عوامل مرتبط با استاد و پوهنتون و عوامل مرتبط با برنامه‌ی درسی به ترتیب ۲۸٪ و ۷.۳٪ در ایجاد بی‌انگیزگی محصلان نقش را ایفا می‌کنند. باید توجه کرد عوامل مرتبط با استاد و پوهنتون در مقایسه با عوامل مرتبط با برنامه‌ی درسی، با وجود منشأ مشترک درون‌پوهنتونی شان، نقش بیشتری در ایجاد بی‌انگیزگی محصلان داشته است. علاوه بر آن، با توجه به ریشه عوامل به بیرون و درون پوهنتون، به صورت کلی می‌توان عوامل اثرگذار بر ایجاد بی‌انگیزگی را به دو دسته عمده شامل عوامل خارج از پوهنتون و عوامل مرتبط با پوهنتون (بخش راست شکل ۵) تقسیم‌بندی کرد. زیرا عوامل مرتبط با استاد و پوهنتون و عوامل مرتبط با برنامه‌ی درسی، ریشه در درون پوهنتون دارند. با توجه به این مهم، از سمت راست شکل ۵ نشان می‌دهد که هریک به ترتیب دارای نقش به میزان تقریباً ۶۵٪ و ۳۵٪ می‌باشند.

نتیجه‌گیری

انگیزه امر پیچیده و علت اکثر رفتارهایی است که از ما سر می‌زند و نقش چشمگیری در یادگیری دارد. از میان دو دسته انگیزه درونی و بیرونی، انگیزه درونی کارایی بالاتری در بهبود یادگیری دارد (اوتوار و اوگان، ۲۰۱۶). شناسایی و برطرف کردن عوامل مؤثر در بی‌انگیزگی، اشتیاق به یادگیری را افزایش می‌دهد (زانگ و روسون، ۲۰۱۵). بررسی عوامل اثرگذار بر بی‌انگیزگی محصلان پوهنتون‌های افغانستان در این مطالعه نشان می‌دهد که مشکلات اقتصادی، نداشتن امید به اشتغال (بیکار ماندن پس از فراغت)، کمبود استادان مجرب، کمبود امکانات درسی، نداشتن تصویر روشن از آینده عواملی هستند که بیش از همه در بی‌انگیزگی محصلان تأثیر داشته که باید به آن‌ها توجه صورت گیرد. از میان عوامل دریافت شده نداشتن تصویر روشن از آینده و کمبود امکانات درسی، رفتار استادان و عوامل مرتبط به برنامه به نحوی با یافته‌های تحقیق مولوی و همکاران (۱۳۸۶) همخوانی دارد. چنان‌چه یافته‌های تحقیق آن‌ها نشان می‌دهد که از میان پنج عامل اثرگذار بر بی‌انگیزگی محصلان، سه عامل آن شامل امید به آینده، کیفیت عوامل آموزشی و سطح عاید خانواده می‌باشند. به هم ترتیب دیده می‌شود میان عوامل یافت شده در تحقیق حاضر با عوامل مؤثر بر بی‌انگیزگی و نتایج تحقیق رومانی و همکاران (۱۳۹۸) شباهت زیادی دارد. از سوی هم ۲۹ عامل دریافت شده تحقیق حاضر به نحوی شباهتی زیادی با مجموعه عوامل (۲۷ عامل) دریافت شده محققان (معماریان و همکاران) که در سال ۱۳۹۹ انجام داده‌اند، دارد. چنان‌چه از جمله عوامل مؤثر بر بی‌انگیزگی، خشک و تیوریک بودن دروس، کم بودن فعالیت‌های عملی و مهارتی و برآورده نشدن انتظارات در پوهنتون عواملی اند که در هردو تحقیق تأیید گردیده اند.

بر علاوه چنان‌چه یافته‌های تحقیق حاضر نشان داد که بیشترین عوامل اثرگذار بر بی‌انگیزگی، ریشه در خارج از پوهنتون داشته که بیشتر به وضعیت جامعه و حالت روانی محصلان مرتبط می‌باشند. احتمالاً، تغییرات سیاسی، به رسمیت شناخته نشدن امارت اسلامی از سوی جهان، از دست دادن شغل در بیشتر خانواده‌ها (به تبع آن منبع درآمد)، خروج استادان مجرب از افغانستان و بالاخره عدم اطمینان نسبت به آینده، دریافت نکردن شغل و بسا موارد احتمالی دیگر، ممکن سبب شده است عوامل عمدتاً مرتبط با خارج از پوهنتون اثرگذارترین علل بر وجود بی‌انگیزگی محصلان شوند.

یافته نشان داد که، بعد از عوامل مرتبط با خارج از پوهنتون، اثرگذارترین علل بی‌انگیزگی محصلان، مرتبط با پوهنتون و عمدتاً استادان بوده، چنان‌چه کمبود استادان مجرب، کمبود امکانات درسی، ضعف علمی استادان، برآورده نشدن انتظارات در پوهنتون و روش تدریس نامناسب استادان عواملی است که به لحاظ اثرگذاری از منظر ارتباط با پوهنتون در جایگاه دوم می‌آیند. احتمالاً، دلیل کمبود استادان

مغرب، طوری که قبلاً ذکر گردید، خروج استادان مجرب از افغانستان و حضور استادان تازه استخدام شده و نسبتاً کم تجربه در میان هیئت علمی پوهنتون‌ها می‌باشند. راه‌های مقابله با آن، مرفوع ساختن نیازمندی‌های پوهنتون و بروزرسانی آن از منظر امکانات درسی، دعوت از استادان با تجربه که ترک شغل کردند، و ارتقای ظرفیت استادان موجود و تازه استخدام شده‌ها، در قالب آشنا ساختن آن‌ها با دست‌آورد های نوینی در علم و هنر یاددهی-یادگیری (پیداگوزی) که اخیراً به‌دست آمده است، می‌باشد. انتشار منابع آموزشی مناسب و راه‌اندازی دوره‌ها و کارگاه‌های آموزشی از جمله روش‌هایی است که بدین‌منظور به‌کار گرفته می‌شوند (معماریان، ۱۳۹۸). استادان، با نشان دادن اشتیاق به آموزش، سازماندهی مناسب درس، در نظر گرفتن تنوعی از روش‌ها و مسایل، درگیر ساختن محصلان در فرایند یادگیری و در نظر گرفتن سطح معقولی از پیچیدگی برای مطالب درسی، می‌توانند به برانگیختن انگیزه محصلان کمک کنند. استادان از سوی دیگر، ممکن است با سخنان یا رفتار خود عامل سرکوب‌کننده انگیزه محصلان باشند. در جدول ۵ برخی از روش‌هایی که به‌کارگیری آن‌ها می‌تواند انگیزه محصلان را افزایش دهد، ارایه شده است.

با روش‌هایی می‌توان انگیزه محصلان را افزایش داد:

۱. نشان دادن اشتیاق به موضوع درس و تدریس؛
۲. تشریح واضح دست‌آوردهای یادگیری درس؛
۳. رفتار برابر و عادلانه با تمام محصلان؛
۴. ارایه نظرهای مثبت در خصوص عملکرد محصلان؛
۵. اجتناب از ریشخند و تحقیر محصلان؛
۶. پنج ثانیه تأمل قبل از تقاضای پاسخ برای یک سؤال؛
۷. داشتن گوش‌شنوا برای درک نگرانی‌های محصلان؛
۸. بیان داشتن انتظار بالا از محصلان؛
۹. توجه دادن محصلان به آن‌چه با غیرحاضری از دست می‌دهند؛
۱۰. درگیرساختن محصلان در ابتدای درس با استفاده از روش بارش ذهن؛
۱۱. استفاده از وسایل الکترونیک (پاورپاینت، ویدیو و ...) برای تحریک علاقه محصلان؛
۱۲. ارتباط دادن دانش و مهارت فعلی محصلان با یادگیری‌های جدیدشان؛
۱۳. استفاده از سؤال‌های با انتهای باز برای ارتقای تفکر خلاق محصلان؛
۱۴. تشویق محصلان به کاربرد آن‌چه در صنف آموخته‌اند، در شرایط خارج از صنف؛

۱۵. و بسا راه‌های دیگر (BCIT، ۲۰۱۰؛ به نقل از معماریان و همکاران، ۱۳۹۹).

باید علاوه گردد که از میان عوامل بی‌انگیزگی مرتبط با برنامه درسی؛ کیفیت پایین دروس، اثرگذارترین عامل مؤثر بر عدم وجود انگیزه در زندگی تحصیلی محصلان می‌باشد. از میان عوامل بی‌انگیزگی دارای منشأ در برنامه درسی، قرار گرفتن کیفیت پایین دروس در رأس آن‌ها، شاید به دلیل عوامل اثرگذار مرتبط با استاد و پوهنتون مانند کمبود استادان مجرب، ضعف علمی استادان و کمبود امکانات درسی باشند. بنابراین، توجه به ارتقای ظرفیت استادان و آشنا ساختن آن‌ها با روش‌های نوین تدریس، به خصوص آموزش مبتنی بر نتیجه و محصل محوری، تدوین برنامه درسی به صورت اکادمیک (کلیستر) با نظرداشت وابستگی‌های منطقی و پیش‌نیازهای آن، بروزرسانی منابع درسی و توجه به توسعه همزمان دانش، مهارت و توانایی محصلان در ارایه کورس‌های تنظیم شده برای یک برنامه، همه راه‌های هستند که در راستای مقابله با بی‌انگیزگی محصلان ناشی از برنامه، ممد واقع خواهد شد.

پیشنهادهات

براساس نتایج این تحقیق، پیشنهادهات ذیل در سه سطح تنظیم گردیده است:

الف: بر اساس عوامل خارج از پوهنتون

۱. مشکلات اقتصادی موجود در کشور بزرگترین عامل مؤثر بر کاهش انگیزه محصلان و یک عامل بیرون پوهنتونی است، بناً از مسئولان و پالیسی‌سازان اقتصادی امارت اسلامی افغانستان تقاضا به عمل می‌آید که با روی دست گرفتن برنامه‌های مؤثر و همه‌جانبه اقتصادی، وضعیت اقتصادی کشور را از حالت بحرانی کنونی بهبود بخشند.

۲. دومین عامل بیرون پوهنتونی مؤثر بر کاهش انگیزه، نداشتن امید به اشتغال بوده که اقدامات جدی مسئولان امارت اسلامی افغانستان را می‌طلبد. پیشنهاد می‌گردد تا زمینه‌های استخدام به نسل جوان، خصوصاً قشر تحصیل کرده در عرصه‌های تخصصی شان فراهم ساخته شود تا انگیزه و امید به اشتغال در ختم تحصیل در وجود محصلان زنده گردد. در عین زمان جلوگیری از تفرری‌های غیر تخصصی، اعمال فشار و واسطه‌بازی‌ها در پروسه تقرر و ایجاد شفافیت در پروسه‌های استخدام، بر ایجاد انگیزه و افزایش امید به اشتغال مفید تلقی می‌گردد.

۳. آگاهی‌دهی مؤثر در مورد نوعیت نظام سیاسی، اقتصادی و موقف امارت اسلامی در قبال حفظ و تقویت حقوق و امتیازات شهروندان، می‌تواند تصویر روشن از آینده به جوانان خصوصاً محصلان ارائه نموده و در قسمت بهبود میزان انگیزش آن‌ها مثرِ ثمر واقع گردد. به رسمیت شناخته نشدن دولت امارت اسلامی از سوی دولت‌ها، سرپرست باقی ماندن حکومت برای مدت بیشتر از دو سال

و سایر مشکلات سیاسی از جمله مواردی هستند که سبب کاهش انگیزه محصلان شده است. بناً پیشنهاد می‌گردد تا امارت اسلامی با ایجاد شفافیت در میکانیزم‌های سیاسی و آگاهی‌دهی مؤثر در مورد اهمیت آزادی و استقلال به‌دست آمده و همچنان روشن شدن سرنوشت سیاسی حکومت به تشویش‌های مردم خصوصاً محصلان که در اثر تبلیغات رسانه‌های جهانی تخریش شده را، بازسازی نموده و از آن به‌عنوان یک عامل مؤثر در افزایش انگیزه استفاده نماید.

۴. سپردن کار به اهل آن که بدون شک یک وجیه دینی نیز می‌باشد در قسمت افزایش انگیزه محصلان در خور توجه بوده، مفید ارزیابی می‌گردد. باید تذکر داد که اهلیت کار دو شاخص و ویژگی عمده؛ تعهد و تخصص را شامل می‌باشد. بناً حین استخدام، در کنار این‌که به تعهد و وفاداری افراد توجه جدی صورت گیرد، باید به تخصص و دانش مسلکی افراد نیز اهمیت داده شود.

۵. دولت با موضوع تبعیض در جامعه، مبارزه جدی انجام داده، در قسمت تأمین عدالت اجتماعی توجه جدی به عمل بیاورد.

۶. رفع نمودن مشکلات اقتصادی، بهبود شرایط سیاسی، ایجاد امید به اشتغال و خلق امید به آینده می‌تواند انگیزه و فکر ترک وطن را کاهش دهد.

۷. ارایه خدمات مؤثر روان درمانی در پوهنتون‌ها، توجه به حل مشکلات خانوادگی موجود در جامعه، فراهم‌سازی زمینه‌های ابراز نظر و آزادی بیان می‌تواند روی افزایش انگیزه محصلان تأثیر مثبت داشته باشد.

ب: براساس عوامل مرتبط با استاد پوهنتون

۱. اعضای هیئت علمی پوهنتون‌ها، باید توجه داشته باشند که اگرچه اغلب بی‌انگیزگی دارای عوامل متعدد اثرگذار بیرون از پوهنتون می‌باشند، که این امر بر برانگیختن انگیزه محصلان به یادگیری محدودیتی ایجاد می‌کند، با آن‌هم، پیشنهاد می‌گردد نباید آن‌ها از کوشش در افزایش انگیزه در محصلان دست بکشند.

۲. دولت از طریق تشویق استادان مقیم در خارج به برگشت شان به وطن، فراهم‌سازی امکانات بیشتر به استادان موجود و فراهم نمودن زمینه ارتقای ظرفیت استادان موجود پوهنتون‌ها، با مشکل کمبود استادان مجرب مبارزه نماید.

۳. با تخصیص بودجه بیشتر به نهادهای آکادمیک خصوصاً پوهنتون‌ها، مشکل کمبود امکانات درسی در پوهنتون‌ها برطرف گردد.

۴. تدویر کورس‌های کوتاه‌مدت و میان‌مدت ارتقای دانش و مهارت در داخل و خارج از کشور برای استادان پوهنتون، می‌تواند مشکل ضعف علمی استادان و سایر مشکلات مرتبط با استادان را مرفوع نمایند.

۵. ایجاد فضای مناسب اکادمیک، حفظ استقلالیت اکادمیک و سایر حمایت‌های مادی و معنوی از استادان در زدودن چالش‌های موجود مفید واقع می‌گردد.

۶. میکانیزم و شیوه‌های مشخص برای حمایت از حقوق و امتیازات محصلان در پوهنتون‌ها تهیه و تطبیق گردد.

ج: براساس عوامل مرتبط با برنامه

۱. فراهم‌سازی زمینه و امکانات برای ترجمه کتب معتبر علوم از زبان‌های خارجی به زبان‌های ملی؛

۲. حمایت از تحقیقات و تألیفات در تمام علوم؛

۳. تأکید بر افزایش ظرفیت‌های اکادمیک و مهارتی استادان؛

۴. ایجاد مراکز مشاوره روانی در پوهنتون‌ها؛

۵. به‌روز سازی منابع درسی و نصاب پوهنتون‌ها.

منابع

- آزادمنش، محمد رضا. (۱۳۹۵). مبانی جامعه شناسی. چاپ دوم. کابل: انتشارات سعید.
- بخشنده باورساد، مریم. حکیم، اشرف السادات. عظیمی، نسرین. لطیفی، سید محمود. قالوندی، حسین. (۱۳۹۴). بررسی انگیزه تحصیلی و عوامل مرتبط با آن از دیدگاه محصلان پرستاری دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز. نشریه تحقیق در علوم پزشکی، ۳۵-۴۴. (۷) ۱.
- حسینی صدر، صمد. قاسم زاده، داوود. (۱۴۰۱). مطالعه علل و زمینه بی انگیزگی تحصیلی محصلان علوم پایه با رویکرد کیفی. نشریه تحقیق در آموزش علوم تجربی. سال نخست شماره ۴. صص ۲۷-۴۳.
- رضاخانی، سمین دخت. (۱۳۸۶). بررسی انگیزه درونی و بیرونی پیشرفت تحصیلی محصلان رشته های مختلف دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن. نوآوری های مدیریت آموزشی. ۳(۶)، صص ۸۵-۱۰۶.
- رضایی، اکبر. قدم پور، عزت الله. شریفی، حسن پاشا. (۱۳۸۷). الگویی برای ایجاد علاقه و انگیزه به مطالعه و تحقیق: بررسی اثربخشی آن در دانش آموزان دوره راهنمایی. نوآوری های آموزشی. ۲(۷)، صص ۱۵۱-۱۸۶.
- رمضانی، عباسعلی. هدایتی، سیدپوریا. فرجی، عبدالله. خمسای، مریم. حیدری مکرر، محسن. (۱۳۸۸). بررسی میزان انگیزه تحصیلی و عوامل مرتبط با آن در محصلان دانشگاه علوم پزشکی زابل، صص ۱۱-۱۹.
- رومانی، سعید. عالی پور، کبری. فرخی، صدیقه. (۱۳۹۸). شناسایی عوامل بی انگیزگی تحصیلی محصلان دانشگاه فرهنگیان: رویکرد پدیدارشناسی. فصلنامه روان شناسی تربیت. ۱۵(۱۵)، صص ۱۷۹-۲۰۶.
- سلام وطندار. (۱۴۰۱). میزان انگیزه درسی و امیدواری محصلان به آینده تحصیلی و کاری پس از حاکمیت امارت اسلامی. قابل دسترس به: <https://swn.af/the-degree-of-academic-motivation-and-students-hope-for-the-future-of-education-and-work-after-the-rule-of-the-islamic-emirate/>
- علی زاده، محمد امین. پروازی، حمید رضا. رحمتی، محمد حسین رحمتی. (۱۳۹۴). شناسایی عوامل مؤثر بر انگیزش تحصیلی محصلان رشته مدیریت. فصلنامه روانشناسی تربیتی. ۴(۶)، صص ۳۴-۵۰.
- معماریان، حسین. (۱۳۹۸). یاددهی یادگیری؛ ۵۰ راه کار برای بهبود کیفیت آموزش مهندسی. موسسه انتشارات دانشگاه تهران.
- معماریان، حسین. معماریان، آزاده. محصل افشار، عماد. (۱۳۹۹). بررسی علل بی انگیزگی محصلان مهندسی. فصلنامه آموزش مهندسی ایران، ۲۲ (۸۶)، صص ۲۱-۳۷.
- مولوی، پرویز. رستمی، خلیل. فدایی نایینی، علیرضا. محمدنیا، حسین. رسول زاده، بهزاد. (۱۳۸۶). بررسی عوامل مؤثر در کاهش انگیزه تحصیلی محصلان دانشگاه علوم پزشکی اردبیل، سازمان نظام پزشکی جمهوری اسلامی ایران. (۱)۲۵.
- مهدی، امید. (۱۳۹۷). بررسی و تبیین تاثیر انگیزش بر یادگیری محصلان (با تاکید بر نقش کیفیت منبع درسی). فصلنامه آموزش مهندسی ایران. (۲۰) ۷، صص ۶۳-۹۱.
- Israel, Glenn. D. (1992). Determining sample size. University of Florida. IFAS EXTINSION. PEOD6
- Makara, K., & Karabenick, S. (2017). Longitudinal high school research revealed: using surveys to assess student motivation and social networks.
- Utvar, B.K.S & Haugan, G. (2016). The academic motivation scale: Dimensionality, reliability, and construct validity among vocational students. Nordic Journal of Education and Training (NJVET), 6(2), 17-45.

- Zamboni, Jon. (2018). The Advantages of a Large Sample Size. *Sciencing.com*. Accessed on September 2023, September 19. Available at: <https://sciencing.com/advantages-large-sample-size-7210190.html>
- Zheng, S., Rosson, M. B., Shih, P. C., & Carroll, J. M. (2015). Understanding student motivation, behaviors and perceptions in MOOCs. In Proceedings of the 18th ACM conference on computer supported cooperative work & social computing (pp. 1882-1895).
- Deci, E. L., & Ryan, R. M. (2000). The "what" and "why" of goal pursuits: Human needs and the self-determination of behavior. *Psychological Inquiry*, 11(4), 227-268.